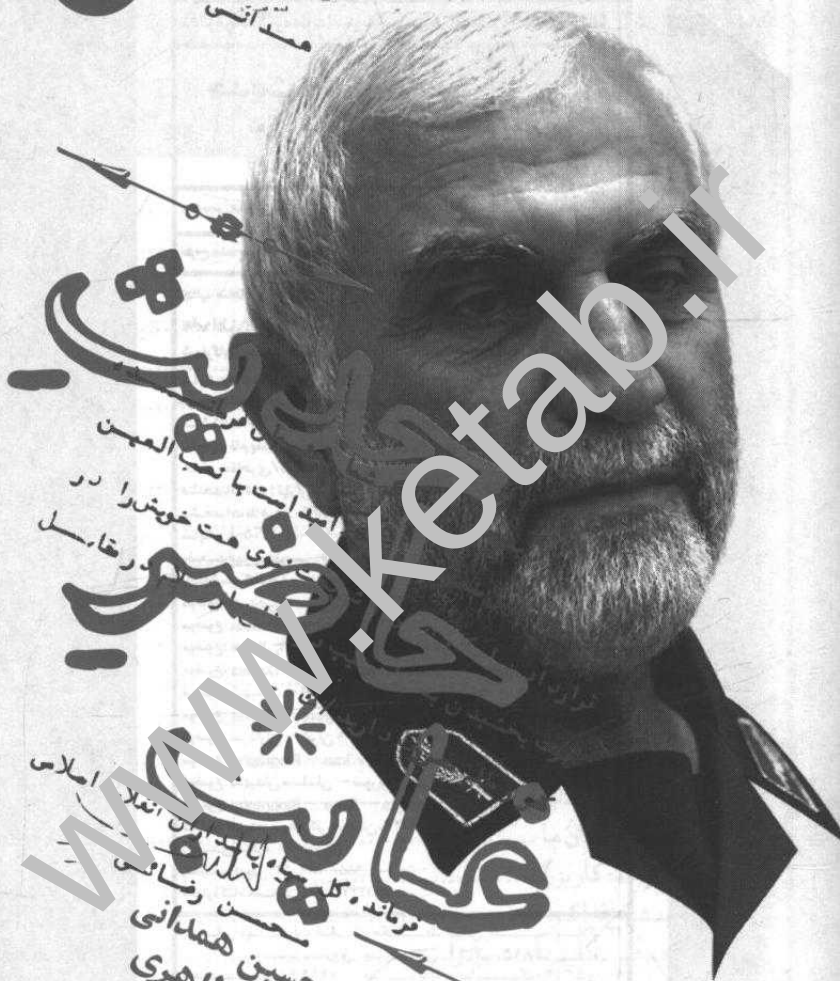




شماره ۹۹ - ۱۳۹۵



مجله علمی



امید است با تعب العین
نوی همت خوش را در
ورق قلم

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
محسن رضایی
شهید حسین همداانی
به روایت جعفر مظاهری
نویسنده: محسن صفی‌کار



دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری مراکز استانی / استان همدان



حدیث حاضر غایب

شهید حسین همدانی

به روایت جعفر مظاہری

محسن صیفی کار

راح جلد: مهر داد موسوی

جاپ، صحافي وليتوگرافي: واژه پرداز اندیشه

جواب : ۱۳۹۸

شماره: ۱۲۸۰ / نسخه

۹۷۸-۶۰۰-۰۳ ۱-۸:ی ۵

سر سه متری، - فر، ۱۳۴۰ -، صاحب‌ه شونده
عنوان و نا بهید، حادث حاضر غایب؛ شهید حسین همدانی به روایت
جعفر مظاری / محسن صیقل کار.
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشار، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۱۴۰ -، شش، نمونه.

وضعیت فرهنگ ست نویسی: فی

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: همدانی، حسین، ۱۳۲۹ - ۱۳۹۴.

Hamedani, Hossein: موضوع:

موضوع: همدانی، حسین، ۱۳۲۹-۱۳۹۴ -- دوسن، آ. - خاطرات

Hamedani, Hussein Friends and associates -- Diaries : موضوع

موضوع: شهیدان -- این -- باز ماندگان -- خاطرات

موضوع: شهادت: ایران -- مجروحان -- روزنامه ها

موضوع: به یاد آن -- در آن -- به گذشته نامه

Generals -- Iran -- Biography: سرتیپان

موضوع: شهبان و ساجان -- بهار ۴۰ -- گزشتہ نامہ

Muslim martyr -- Syria -- Biography: 6

Muslim martyrs -- Syria -- Biography : موضوع

سناسه افزوده: صیفی نار، محسن، ۱۳۸۸، -، مصاحبه کر

رومبندی کنگره: DSR ۱۶۶۸

ردمبندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴۰۹۲

شماره کتاب شناسی ملی: ۵۹۱۳۴۷۷

[illegible]

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشید، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۱۴۴-۱۵۸۱۵

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامکی: ۴۰۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز پخش: (پنج خط) ۶۶۶۶۰۹۹۲ فکس: ۶۶۶۶۹۹۵۱

www.soremehr.ir

Journal of Management Education 32(1) 125

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست

۹	اش
۱۱	برای خدمه
۱۹	منزل اول: اول بیدار
۳۳	منزل دوم: محور جبار
۴۱	منزل سوم: یک خدمت بگ
۴۷	منزل چهارم: سیر
۶۹	منزل پنجم: سقای قوریر
۸۵	منزل ششم: کربلای بچه‌های هم‌ان
۱۱۹	منزل هفتم: خط سرخ
۱۳۳	منزل هشتم: مقام محمود
۱۵۷	منزل نهم: غریبانه
۱۶۷	منزل دهم: سنگر شهادت
۱۸۹	منزل یازدهم: گشت اول و آخر!
۲۱۱	منزل دوازدهم: یا ثارالله
۲۱۷	منزل سیزدهم: خانه دوست
۲۲	منزل چهاردهم: مندلی در آتش
۲۴۹	منزل پانزدهم: گردان ما
۲۵۵	منزل شانزدهم: کار بزرگ
۲۵۳	منزل هفدهم: الله اکبر!
۲۷۵	منزل هجدهم: تکلیف است برادر!
۳۱۵	منزل نوزدهم: خواب و بیدار
۳۲۱	منزل بیستم: چشمان کمین
۳۳۹	منزل بیست و یکم: لیلی تراز مجنون

۳۶۷	منزل بیست و دوم: پرتاووس
۳۸۱	منزل بیست و سوم: دارالجهاد
۳۸۹	منزل بیست و چهارم: آخرین جای پای دشمن
۴۴۱	منزل بیست و پنجم: بزرگ تراز پیروزی
۴۶۱	منزل بیست و ششم: تاکتیک تحرک
۴۷۳	منزل بیست و هفتم: یک قدم تا سلیمانیه
۵۰۳	منزل بیست و هشتم: سلام گیلان!
۵۹۵	منزل بیست و نهم: از شلمچه به حلبچه
۶۴۵	منزل سی ام: غروب فروغ جاویدان
۶۷۵	منزل سی و یکم: پایان اول!
۶۸۵	منزل سی و دوم: دفاع فرهنگی
۷۰۹	منزل سی و سوم: شهید قلب تاریخ است
۷۳۷	منزل سی و چهارم: زمین های سوخته
۷۵۱	منزل سی و پنجم: سردار سنگ
۷۷۱	منزل سی و ششم: نامه دردمندانه
۷۷۹	منزل سی و هفتم: فقط سیح می خواهم
۷۸۳	منزل سی و هشتم: فتنه نامه
۸۰۵	منزل سی و نهم: آخرین پیشنه ها
۸۲۳	منزل چهلم: از قرارگاه امام حسین (ع) ملاقات امام حسین (ع)
۸۳۱	سال شمار ۴۰ سال مجاهدت حسین همدانی

برای مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى
الْقَاعِدِينَ رَجَاءً

سوره نساء آیه ۹۵

«مؤمنان وانشسته [از جاد] نمیتوان نیستند با آن مجاهدان که با جان و مال خود، در راه خدا جهاد میکنند؛ کسان نیستند؛ خداوند جهادگران با مال و جان خویش را برنشستگان برتری داد است...»

چهره بسیار دوست داشتنی و نورانی با لباسی ساده، شلواری خاکی و پیراهنی سیاه و بلند به کسوت هیئت‌های عزاداری سقایی با همان محاسن سفید شده‌اش در جنگ، او کتابی را به من داد تا بخوانم. کتاب را با اشتیاق نگاه کردم و با احترام به ایشان گفتم: «این کار را بپذیرید، ملاحظه بفرمایید مطالبی در آن یادداشت کرده‌ام...»

با هم از پله‌های باغ موزه دفاع مقدس استان همدان بالا رفتیم و روی چمن‌های خیس آنجا نشستیم. آقای همدانی حتی برای کتابش اسم هم انتخاب کرده بود و تأکید می‌کرد که «حتماً کتاب چاپ بشود!» سپس به من نگاه عمیق پرمهری انداخت و من در این خواب شیرین می‌خوابیدم و می‌دانستم که او «شهید» است!

چند ماه بعد از شهادت حاج حسین در زمانی که درگیر مقدمات تأسیس و تشکیل بنیاد فرهنگی، هنری شهید همدانی بودیم به سراغ همراه و هم‌رزم دیرین او حاج جعفر مظاهری رفتیم.

از او چیزی می‌خواستیم که کار ساده‌ای نبود و می‌دانستم او با انبوه دردها و زخم‌های روحی و جسمی‌اش حتماً به زحمت خواهد افتاد. به هر حال بعد از مدتی آن خواسته مکرر، مؤثر افتاد و ایشان پذیرفت تا به فراخور زمان و حال و مقال کار را انجام دهیم.

یکی از دلایل پذیرش این کار آن بود که او می‌خواست این کتاب فصل الخطاب روایات منقول مهم از طرف دوستان درباره شهید باشد، چه آنکه خود همدانی رفع تناقضات و ابهامات تاریخی در این حوزه را به او ارجاع داده بود و خود از گفته‌های نوشته‌های ایشان در روایات استفاده می‌کرد که نمونه‌های فراوان است. شخصیت جعفر مظاهری به چند دلیل در استان و حتی هم‌زمانش در کشور مشهور است. او حافظه بسیار قوی و نکته‌بین و نکته‌گویی دارد و زوایای مختلف یک اتفاق را به دقت تمام روایت می‌کند. از دیگر سو حضور او در جبهه‌های مختلف و دیدن جنگ و نیز ملازمت مستمر در جایگاه‌های مختلف، در کار حسین همدانی بسیار شاخص است. نکته دیگر آنکه یادداشت‌های فراوان به موی او در زمان جنگ و به‌ویژه در جلسات قرارگاهی واقعاً کم‌نظیر است. او اکنون با حوصله و دقت عالمانه، گنجینه‌ای مهم و کامل از آن رویدادهای ضمیمه اسناد و عکس‌ها در منزل خویش فراهم آورده است.

نکته بعدی آنکه مطالعه و پژوهش مستمر در حوزه تاریخ دفاع مقدس از او یک محقق برجسته ساخته است و شاید در همه محرومیت‌ها و بیماری‌های برآمده از آن نبود، حضور نظامی و علمی او در آن حوزه بیشتر شناخته می‌شد. به حول و قوه الهی کار در نیمه آذر ۱۳۹۵ آغاز شد. در محضر گرم و متخصصانه حاج جعفر حدود ۵۰ جلسه مصاحبه یک نیم تا سه و نیم ساعته برگزار شد و مصاحبه‌ها تا چهارم تیر ۱۳۹۶ به درازا کشید.

ایشان حتی بخش‌های غامضی همچون «گشت برون مرز» در خاک عراق را موشکافانه از نوشته‌های مختصر و پراکنده شهید همدانی تفکیک و یادداشت کرد و تحویل بنده داد. بازنویسی فصل‌ها با گفت‌وگوهای تکمیلی حضوری و تلفنی چندین ماه طول کشید. او با حوصله و دقت فراوان فصل‌ها را مطالعه و اصلاح می‌کرد.

در این رفت و آمدها ناگهان آهم سرد شد! او بر اثر یک بیماری سخت و

مبهم در بیمارستان بستری شد و این دوره درمان و نقاهت حدود پنج ماه طول کشید که واقعاً دوران جانکاهی برای بنده بود!

از طرفی در ابتدای رمضان المبارک ۱۴۳۸ از خزانه غیب الهی بنده و همسر به ضیافت زیارت بیت الله الحرام و حرم رسول الله ﷺ دعوت شدیم که من آن توفیق را از دعای خیر حاج حسین و دیگر شهدا می دانم.

تا ما برویم و برگردیم و ضیافت و دیدارها انجام شود؛ زمان تنگ تر شد. به عنایت پروردگار اما کار پیش رفت. در این فاصله ها دو سفر بازخوانی تاثیرگذار به اتفاق ایشان و به همت و معیت دوستان انجام شد. یکی؛ سفر به مناطق جنگی. کرپل هاب، گیلان غرب و قصر شیرین برای بازخوانی عملیات ها و پدیده های نیروهای همدانی در آن مناطق در سال های ابتدایی جنگ و یکی دیگر؛ سفر سنندج برای واکاوی دوباره عملیات صلوات آباد در آزاد سازی سنندج - اردیبهشت ۱۳۵۹.

سرانجام تماس های بر سر مار و ملاقات های بسیار به ثمر نشست و در بین نگارش اول، کار برای حروف، چیترا رجاع شد. کار سنگین تایپ بعد از دو ماه در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۱ تمام شد. همه این کارها را باید لایه لای کار سخت تدریس و معلمی ام سامان می دادم که دادم، ولی اصلاً آسان نبود!

این گفت و گوی مفصل دربردارنده فقط برگ هایی از کتاب شگفت انگیز دفاع مقدس ما و فقط روایت یکی از رزمندگان آن است. روایت مخلصانه ای که یکی از دیگری می گوید. برادری از برادری دیگر روایت می کند. زیرا او تلاش می کند تا قدم به قدم از فرمانده خود و هم زمان و رزمه یاران بگوید و به اصطلاح «حدیث نفس» نکند.

اتفاقات و موضوعاتی مانند آغاز و پایان گروه جدید در محله، دادگاه های انقلاب، نبرد شهید شاه حسینی

(صلوات آباد) در کردستان، پاسگاه های مرزی سرپل ذهاب در پیش آغاز جنگ، جبهه میانی سرپل ذهاب، عملیات شهید فراهانی (قراویز)، نبرد همدان، شهیدان رجایی و باهنر (۱۱ شهریور) ۱۳۶۰، تنگ کورک، فتح المبین، الی بیت المقدس، رمضان، خط پدافندی شهید حبیب مظاهری، نبرد ثارالله، نبرد زین العابدین (ع)، تشکیل گردان و تیپ انصارالحسین استان همدان، عملیات شناسایی بندگان ۲۰۱، نبرد والفجر ۲، نبرد والفجر ۵، پدافندی جزایر مجنون،

نبرد بدر، شب عاشورایی، گشت‌های برون‌مرزی ۲ و ۱، نبرد والفجر ۹، نبردهای کربلای ۲ و ۴ و ۵، نشست‌های بسیار مهم قرارگاهی عملیات کربلای ۵، قرارگاه قدس، نبرد والفجر ۸، بمباران شیمیایی حلبچه، نبرد مرصاد، حضور مستشاری همدانی در کنگو، سوریه و ...

جعفر مظاهری این‌همه را بر حول محوری به نام «حسین همدانی» روایت کرده است؛ بزرگ‌مردی که جوانی و پیری‌اش را برای انقلاب اسلامی صرف کرد. راوی به ناچار گاه از حول این محور کمی دور می‌شود؛ زیرا تشریح مسائل پیرامونی یک واقعه ضرورتی مهم است تا او در پرتو آن بتواند نقش همدانی و آن واقعه را آشکارتر سازد. تصحیح اول و ملحقات به اواخر ماه شعبان و همه ماه رمضان ۱۳۹۷ (= ۱۳۳۹ قمری) افتاد و من در این مدت، شبانه‌روز کار کرده‌ام. حتی برایام روزه‌داری با همه ناتوانی‌ام گاه روزی پانزده ساعت مشغول تصحیح و تکمیل اثر بودم. بنا بر قاعده تاریخ شفاهی - که البته میدان تضارب آراست! - جمع‌بندی و روایت‌ها خود راوی است ولی سایر روایات و نیز اسناد موجود گواه درستی آن‌هاست. جعفر مظاهری این عقبه را در ده‌ها عملیات دفاع مقدس و نیز ده‌ها جاسه قرارگاهی و بازخوانی تاریخ جنگ استان گذرانده است.

همان‌طور که آمد آرشیو شخصی جعفر مظاهری به نوبه خود منبعی بسیار ارزشمند است؛ زیرا او بدون اغراق گنجینه‌ای است که اطلاعات خوبی درباره هم‌زمان؛ به‌ویژه حسین همدانی و نقش‌اش در دفاع مقدس در سینه دارد. او گاه برای حفظ اتصال و ترتیب زمانی واقعه - در مقاطعی که خود همراه همدانی نبوده است - متوسل به روایت ثانی معتقد و متقن از دیگران شده است. یعنی به سبک و روش احادیث مُعَنَّن، از راویان دیگر که البته امین و ثقة است، نقل قول می‌کند.

نگارنده مجبور بود برای تنویر مسیر عملیات‌ها و تأکید بای جنگ - چه استانی و چه ملی - گه‌گاه با سؤالاتش راوی را به تحلیل بکشانند، زیرا فقدان این تحلیل‌ها موجب ابهامات فراوان دیگری می‌شد. به‌هر حال، کتاب در چهل منزل سامان یافت تا یادآور ۴۰ سال سلوک، جهاد و مبارزه آن چریک پیرنستوه و بی‌ادعا باشد.

اجرای تصحیح اول اغلاط، وقتی از دست حروف نگار محترم و پرتلاش

بیرون آمد، داغم تازه شد! حجم هزار صفحه ای کتاب و کثرت اغلاط اولیه و نکات فراوان ویرایشی باعث شده بود، موارد پرشماری از قلم بیفتد که آن هم قصه دارد که از آن می‌گذرد.

...می‌دانم که این کار بزرگ در توان من نبود و خود شهید بارها و بارها دستگیری کرد. بارها به زیارت مزارش رفتم و او چند بار در خواب مرا میهمان خود کرد که انشاءالله همه‌اش رؤیای صادق باشد!

یادم نمی‌رود - پس از اتمام کار - وقتی در آن صبح جمعه ماه رمضان به اتفاق حاج جعفر به زیارت مزار او رفتیم، قرآن ما را با افتتاح سوره مبارکه اسراء چنین میهمان کرد:

«مَبْنَى الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ أَلْهِيَهُمْ: آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»

و من با این کریمه شاید دریافتم که سیر و عروج مخلصانه آن عزیز سالک کریمه‌ای بوده است که من درک آن عاجز مانده‌ام! اما به خود وعده دادم که شاید این گام کوچک در نظر او آمده باشد. زیرا وقتی امام خمینی بزرگ در وصف شهیدان عزیزش می‌فرمود:

«ما خاکیان محجوب یا افّاکیان به دانیم این ارتزاق عند رب الشهداء چیست؟! چه بسا مقامی باشد که حاضر مقدس درگاه او جلّ و علی باشد و [خاص] وارستگان از خود و ملک هستی باشد... پس مثل من وابسته به علایق و وامانده از حقایق چه گویم و چه نویسم، که خاموش بهتر و شکستن قلم اولی است...!» دیگر تکلیف قلم و بیان امثال بنده معاف است.

اکنون به فضل بی‌شمار الهی و مدد انفاس قدس سم‌بدان، آنچه پیش روی شماست ثمرهٔ مراقب و زحمات همهٔ عزیزانی است که دانش را با کمال ادب و احترام متذکر می‌شوم:

۱. همسر فداکار و فرزندان دوست‌داشتنی حاج جعفر مظاهری در حد و آمده‌های بسیار بنده را به جان خریدند و نعمت و محبت را بر حقیر تمام کردند.
۲. همسر صبور و فرزندان عزیزم که نبودن‌های مکررم را بزرگوارانه تحمل کردند و من همیشه مدیون مهر و ادب و کمال آن‌هایم.
۳. مادر عزیزم که در روزها و شب‌هایی که بر بالین بیماری‌اش بودم، مرا تحمل کرد. دستانش را به ادب می‌بوسم و از او پوزش و حلالی می‌طلبم.

۴. خانواده بزرگوار شهید همدانی - به ویژه آقا وهب عزیز - که سخاوتمندانه دفترچه‌های پدر را در اختیار نهادند.
۵. ایمان مظاهری عزیز که در ویرایش عکس‌ها و نقشه‌ها زحمت فراوان کشید.
۶. دوستانم در بنیاد فرهنگی هنری شهید همدانی که در همه مراحل پروژه مددکار بودند.
۷. برادر ارجمند «رضا آقاخانی» که زحمت تهیه احکام کارگزینی و مأموریت‌های شهید را پذیرفت.
۸. استاد «حمید حسام» و برادر عزیز «سعید بادامی»؛ برای راهنمایی‌ها و شرکت در مصاحبه چگونگی تأسیس کانون بسیج جوانان همدان.
۹. سرکار خانم «فاطمه بگزاده»، برای دو کار سخت پیاده‌سازی فایل‌های صوتی مصاحبه‌ها و حروف چینی و اجرای تصحیح اول.
۱۰. برادر نازنینم «سید علی مساواتی» برای راهنمایی‌ها و نیز شرکت در مصاحبه نفس شهید در کمک‌رسانی به زلزله‌زده‌گان رودبار و منجیل.
۱۱. نویسنده «هفته‌نامه «گیا علی بابایی» برای مشاوره‌ها و نیز استفاده از کتاب ارجمندش؛ «پیغام ماهی».
۱۲. پژوهنده گرامی «ابوالفتح هومن» برای در اختیار نهادن کتاب در انتظار چاپ مانده «اینجا سرزمین محمد رسول الله است».
۱۳. آقای دکتر «سید حسن شکری» سرکار خانم «سارا همدانی» برای صدور اجازه استفاده از عکس‌های کتاب «نفس شهید» «ابو وهب».
۱۴. جناب آقای «وحید خادمی» رئیس «کانون شهدا» آثار سپاه استان همدان، برای همکاری در تهیه عکس‌های کنگره شهدای استان و نیز معاونت محترم اداره حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان، آقای «سید علی الهی تبار» برای همکاری در تهیه مطالب و عکس‌های باغ موزه دفاع مقدس استان همدان.
۱۵. برادران گرامی، آقایان «سید محمدباقر حسینی» و «تیمور آقا احمدی»؛ رئیس و معاون فرهنگی حوزه هنری استان همدان و همکاران ارجمندشان؛ به ویژه جناب آقای «حامد زمان میرآبادی»؛ مسئول دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری برای مساعدت‌ها و پیگیری‌های مستمر و هماهنگی‌های بسیار مشفقانه در انجام امور اداری و مقدماتی با دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری امور استان‌های حوزه هنری.